

شهرنامه‌های استان بوشهر / ۸

عسلویه تاریخ، سرزمین، فرهنگ

تألیف:

زکریا رستگار

انتشارات آبتین نگار

۱۳۹۲

سرشناسه : رستگار، زکریا، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور : عسلویه: تاریخ، سرزمین، فرهنگ / تألیف زکریا رستگار؛ به سفارش استانداری بوشهر؛ زیر نظر اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان بوشهر.
مشخصات نشر : بروجین: آبتین نگار، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری : ۳۰۹ ص. : مصور، جدول، نمودار.
فروست : شهرنامه‌های استان بوشهر: [ج. ۸].
شابک : 978-600-6967-10-3 دوره: 8-02-6967-600-978: ۱۴۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
یادداشت : کتاب‌نامه ص ۳۰۹-۲۶۷.
یادداشت : ----
موضوع : شهرها و شهرستان‌ها -- ایران -- بوشهر
موضوع : بندر عسلویه
شناسه افزوده : استانداری بوشهر
شناسه افزوده : سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان بوشهر.
شناسه افزوده : شهرنامه‌های استان بوشهر: [۸].
رده‌بندی گنگره : ۱۰۰ ج ۱۳۹۲ ۵۴ الف / HT۱۴۷
رده‌بندی دیویی : ۹۵۵/۶۴
شماره کتاب‌شناسی ملی : ۳۲۸۶۵۹۴



انتشارات اشیان



انتشارات آبتین نگار

بروجین. الهیه. مؤسسه انتشارات آبتین نگار. abtin.negar@yahoo.com
تهران. میدان انقلاب. خ منیری جاوید. کوچه مرکزی. پ. ۱. انتشارات آشیان

عسلویه (تاریخ، سرزمین، فرهنگ)

زکریا رستگار

طرح جلد و صفحه‌آرایی: علیرضا علی‌نژاد

ناشر: آبتین نگار، با همکاری: آشیان

لیتوگرافی: فیلم‌گرافیک

چاپ: متین

صحافی: ولیعصر

چاپ اول: ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

این کتاب به سفارش و سرمایه‌گذاری استانداری بوشهر و زیر نظر اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان بوشهر تألیف و انتشار یافته است.

قیمت ۱۴۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

پیش گفتار.....	۷
بخش اول: تاریخ.....	۲۱
فصل اول: وجه تسمیه.....	۲۳
فصل دوم: در گذر زمان.....	۳۰
فصل سوم: آثار باستانی و تاریخی.....	۸۱
بخش دوم: سرزمین.....	۱۰۱
فصل اول: جغرافیای طبیعی.....	۱۰۳
فصل دوم: جغرافیای انسانی.....	۱۲۲
فصل سوم: جغرافیای اقتصادی.....	۱۳۵
فصل چهارم: جغرافیای سیاسی.....	۱۴۸
فصل پنجم: روستاهای تابعه.....	۱۵۸
بخش سوم: فرهنگ.....	۲۲۱
فصل اول: فرهنگ عمومی.....	۲۲۳
فصل دوم: فرهنگ و آموزش.....	۲۳۶
فصل سوم: فرهنگ عامه.....	۲۴۵
فصل چهارم: ناموران فرهنگ و هنر.....	۲۵۹
سرچشمه ها.....	۲۶۷

پیش‌گفتار

شهرنامه‌نویسی

تاریخ‌های محلی یا شهرنامه‌ها، حافظه تاریخی شهرها محسوب می‌گردند. آگاهی‌های موجود در شهرنامه‌ها، اغلب منحصر و معطوف به یک منطقه و محل جغرافیایی هستند.

به همین جهت، در مقایسه با تاریخ‌های عمومی، به طور عمده حاوی اطلاعات دقیق و گاه تفصیلی از شهر و دیاری خاص هستند.

به همین جهت است که می‌توان خیمه تاریخ عمومی یک کشور را بر فراز تاریخ‌های عمومی آن برافراشت. به عبارت دیگر، تاریخ عمومی یک کشور در حکم جدول متقاطعی است که خانه‌های آن را شهرنامه‌ها می‌سازند.

شهرنامه‌ها، امتیازات ویژه‌ای دارند، چرا که حاوی جزئیات بوده و پر از مواد کمیاب و نادرند و مملو از اطلاعات ذی‌قیمتی درباره سلسله‌های محلی و زندگی‌نامه‌های بزرگان و احوال اجتماعی هستند.

در یک نگاه، تاریخ نگاری محلی به ثبت و ضبط وقایع تاریخی در محدوده یک مکان جغرافیایی (شهر، ایالت، ناحیه) می‌پردازد.

دکتر یعقوب آژند (ی. میاندوآبی) در این باره می‌گوید:

«از نحله‌های دیگر تاریخ‌نگاری در ایران، تاریخ نگاری محلی بود که به خصوص در پیش از دوره صفویان و نیز در دوره قاجار از اعتنای ویژه مورخان برخوردار شد.

این نوع تاریخ‌نگاری، از حس شهر وطنی و تفاخر بومی مایه می‌گرفت و شیوه زندگانی شهری را در دل تاریخ به تصویر می‌کشید. مشوق اصلی پدیداری تاریخ‌نگاری محلی، سلسله‌های محلی و حکمرانان آنها بوده است.

گردآوری اطلاعات در باب شهرها و ایالات مختلف از برای حکومت مرکزی نیز، به خصوص در کیفیت وضع مالیات‌ها و طرز وصول آنها، اهمیتی در نظر داشته است.

در تاریخ‌نگاری محلی ایران هم نوعی تداوم نهفته بوده و ذیل نویسی از ویژگیهای آن بر شمرده می‌شده است.

نویسندگان در ادوار مختلف، سوانح احوال حکمرانان و سلسله‌های محلی را به اقتضای زمان بدان می‌افزودند.

از آن جا که تفاخر محلی و بومی عامل مهمی در ظهور و رشد این نوع تاریخ‌نگاری بوده، از این رو در آن وجود افسانه‌ها و روایت‌های گزافه برای بزرگنمایی یک شهر و یا منطقه اندک نیست.

تاریخ‌نگاری محلی نوعی شهرشناسی در دل تاریخ است که اطلاعات جامع و همه جانبه در باره کیفیت و چگونگی به وجود آمدن شهرها، اعیان و اصول و نام‌آوران علم و ادب و هنر آنها، بناها، عمارات و مزارات و خصوصیات جغرافیایی و حتی اقتصادی و اجتماع دارد.

در بعضی از تواریخ محلی اطلاعاتی آمده که در تواریخ دیگر نمی‌توان سراغ گرفت.^۱

بدون شک، وجه اصلی و مشخصه شهرنامه‌ها، پیوند آن با یک عرصه جغرافیایی محدود و مشخص است. عناصر سیاسی، فرهنگی

اجتماعی و یا اقتصادی در تعیین و تشخیص آن دارای تقدم نیستند و همگی مؤخر بر عامل جغرافیایی واقع می‌شوند.

تاریخ محلی به عنوان جزئی از تاریخ ملی، اساساً به مانند امر جزئی، معنا، مفهوم و موفقیت خود را از امر کلی می‌گیرد.

شهرنامه‌ها یا تاریخ‌های محلی عموماً منفردند و به طور خاص به یک محل یا یک خاندان محلی می‌پردازند؛ مانند:

۱. تاریخ نیشابور، نوشته حاکم نیشابوری
۲. تاریخ بیهق، نوشته ابوالحسن بیهقی ابن فندق
۳. روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، نوشته معین‌الدین اسفزاری

۴. فضایل بلخ، نوشته صفی‌الدین ابوبکر عبدالله
۵. بدیع‌الزمان فی وقایع کرمان، افضل کرمانی
۶. تاریخ یزد جعفری، نوشته جعفر بن محمد جعفری
۷. آثارالعجم، نوشته فرصت‌الدوله شیرازی
۸. فارس نامه ناصری، میرزا حسن فسایی
۹. تاریخ کرمان، نوشته احمدعلی خان وزیر
۱۰. نصف جهان فی تاریخ اصفهان، نوشته محمد مهدی بن محمدرضا

۱۱. مرآة القاسان، نوشته عبدالرحیم کاشانی
 ۱۲. تاریخ قم، نوشته صاحب بن عباد
 ۱۳. تاریخ طبرستان، نوشته ابن اسفندیار
 ۱۴. تذکره شوشتریه، نوشته باقر حسینی شوشتری
 ۱۵. تاریخ گیلان، نوشته عبدالفتاح مؤمنی
- شهرنامه‌ها، معمولاً به تاریخ و جغرافیای محلی، انساب، علم حدیث، مزارات و امور وقفی، دیوانی و ایل‌شناسی نیز می‌پردازد.

برخی معتقدند که یکی از راههای مهم بیان توانایی‌ها و آگاهی‌های گروهی، پرداختن به شهرنامه نویسی و تاریخ نگاری محلی می‌باشد، که همیشه و در همه ادوار تاریخی مورد نظر مورخان بوده است.

همه مردمی که در یک سرزمین زندگی می‌کنند، ارتباط قوی و مستحکمی را که میان انسان و زادگاهش موجود می‌باشد، درک کرده و در صدد بیان آن به شیوه‌های گوناگون می‌باشند.

عموماً شهرنامه یا تاریخ محلی را فردی می‌نگارد که در آن محل متولد شده یا در آن جا زندگی کرده باشد. اولین عامل اصلی تمایل به تاریخ محلی نویسی، وطن دوستی و احساسات ناسیونالیستی است.

ذکر فضیلت شهر یا منطقه در تاریخ‌های محلی، به دلیل شناساندن موقعیت منطقه‌ای، سیاسی، فرهنگی و تاریخی آمده و در عمل نمادی از احساس نیاز به ارزشمندی زاد و بوم و بزرگداشت آن شهر از سوی نویسندگان بوده است.

توجه به ریشه تاریخی شهرها، از دیگر شاخص‌های تاریخ نگاری محلی است. در این خصوص، نوعی تمایل به سمت ایران باستان و یافتن هویت تاریخی برای منطقه مورد بررسی در نوشته‌های این کتاب‌ها دیده شده و در اصل نشان دهنده تلاش نویسندگان برای نشان دادن قدمت تاریخی بنای شهرها است.

علاوه بر این، داستان‌های بسیاری از شاهان اسطوره‌ای ایران، نظیر «کیانیان» و «پیشدادیان» در تاریخ‌های محلی دیده می‌شود، که معمولاً ریشه در خدای نامه‌ها و شاهنامه‌ها داشته‌اند.

این تلاش‌ها بیشتر در قالب هویت بومی جای گرفته است، تا هویت ملی؛ زیرا اولاً مورخ تاریخ محلی فقط در صدد است منطقه خود را بشناساند، ثانیاً تاریخ باستانی منطقه را با دوره اسلامی پیوند زده است. شهرنامه‌ها، توجه ویژه‌ای به زندگی و اجتماع همه طبقات اجتماعی به

خصوص طبقات و گروههای پایین جامعه و مردم عادی دارند، کاری که از گونه‌های دیگر تاریخ نگاری کمتر برمی‌آید.

عده‌ای نیز بر این باورند که تاریخ‌های محلی، واکنشی علیه تمرکزگرایی سلسله‌های بزرگ بوده است و انگیزه اصلی مورخانی که به تاریخ‌های محلی می‌پرداختند، کسب افتخار برای منطقه خود و اعتقاد به این بود که رویدادهای سرزمین‌شان، شایسته ضبط در تاریخ است.

تاریخ‌های محلی، بیش از تاریخ‌های عمومی به بررسی شخصیت‌ها و تشکیلات اداری و اجتماعی می‌پردازد. تقریباً همه تواریخ محلی با توصیف جغرافیای منطقه و تأثیر آن بر تاریخ منطقه ادامه می‌یابد. در بیشتر این آثار، به رویدادهای مهمی که به بنیان شهر یا شهرهای منطقه انجامیده، پرداخته شده است.

مورخان محلی به سبب آشنایی با سنت محلی، با کسانی که درباره آنان می‌نویسند، احساس نزدیکی دارند و نگرش آنان به واقعیات اجتماعی با رویکرد طبقه حاکم تفاوت دارد.

تاریخ‌های محلی، در حیطه مطالعات میان رشته‌ای قرار داشته و از یافته‌های جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی، زمین‌شناسی، جغرافیا، ادبیات، آمار، تراجم و مانند آن بهره می‌گیرند.

مهم‌ترین منابع شهرنامه‌ها و تاریخ‌های محلی در شهرها، در مرحله نخست مردم هستند و در مرحله بعد، محیط فیزیکی و ساختار طبیعی و مصنوعی ساخت انسان و در مرحله آخر مؤسسات و نهادهای انسانی که در یک شهر رشد می‌کنند.

تحقیق درباره استان بوشهر، کار آسانی است. مانند همه کارهایی که یک واحد جغرافیای بزرگ را شامل می‌گردد، با موانع و مشکلات بسیار

اندک و محدودی روبرو شدم، که در کوتاه‌ترین زمان ممکن رفع می‌شد به یاری تلاش و تجربه، راه خویش را به سوی موفقیت هدفمند و زمان‌بندی شده و نظام‌مند و اصولی به پیش می‌بردم.

دانش ما، حاصل یافته‌های پیشینیان ماست. همان‌ها که جان گذاشتند و در جستجوی حقیقت، ریگ به ریگ، کوه به کوه، رود به رود، گذشته حال و آینده را درنوردیدند.

با افتخار می‌گویم:

این نبشته‌ها، حاصل کشت زارعی است که نشان پژوهش و تحقیق نوشتن بر سینه دارند. و چرا به خود نبالم که در سرزمین جنوب، صده کتاب و رساله و پایان نامه و مقاله نوشته شده، که عصای دست من در ایر طرح پژوهشی است.

استناد به دسترنج پیشینیان، با ذکر مأخذ و منبع، سپاس از زحمات آنهاست. دانش ما یک شبه به وجود نیامده، خشت خشت و قطره قطره ذره ذره، تا امروز رسیده و من و امثال من به فردا و فرداها تحویل می‌دهم بنای من در این پژوهش، بر چند قاعده استوار می‌باشد:

۱. انتشار حداکثری داده‌های اطلاعاتی مورد نیاز: آمار و اطلاعات منتشره توسط دستگاه‌های دولتی، به صورت مکتوب یا رسانه‌ای، توه محرمانه‌سازی را بی‌اثر نموده و اهتمام بر اصل اطلاع‌رسانی عمومی شیوه «معقول» و «مناسب» در سرلوحه تحقیقات من قرار داشته است. محرم ندانستن مردم عزیز و قدرشناس، به بهانه‌های واهی برگرفته اذهان مسموم و رشد نیافته و تخیل بافی تأثیر منفی «آگاهی» مردم وضعیت موجود، حتی یک لحظه هم به مخیله پژوهشگر طرح، خطو نکرده است.

۲. نگاه شهرستانی: این کتابچه‌ها، بر اساس نگاه شهرستانی تنظیم شده است، نه مبنا قرار دادن مرکز هر شهرستان.

در برخی از شهرستان‌ها، مرکز شهرستان از سابقه و موقعیت تاریخی و جغرافیایی خاصی برخوردار نبوده و نپرداختن به شایستگی‌های توابع آن شهرستان، ظلم به تاریخ و فرهنگ آن منطقه محسوب می‌گردد.

تقسیم متن و محتوای کتاب‌ها به گونه‌ای بوده که محور نوشتار بر هویت «شهرستانی» باشد، یعنی اگر گفته می‌شود شهرستان ۷۰۰۰ ساله فلان، هیچ‌گاه منظور من قدمت ۷۰۰۰ ساله مرکز آن شهرستان نیست.

۳. زاویه دید عام: مخاطب این آثار «عموم» مردم هستند، با پرهیز از «ساده نویسی» مستند و واقعی بودن نوشته، یکی از بدیهی‌ترین اصول رعایت شده در این پژوهش است.

سعی و اهتمام من بر این بوده که به تبلیغ و ترویج افسانه‌ها و «خرافات» نپردازم، در عین حال که به ارزش‌های «حسنة» سنتی مردم نیز احترام بگذارم.

۴. اجتناب از تلخ‌نویسی: هدف غایی این پژوهش، تدوین شناخت‌نامه شهرستان‌های استان بوشهر است و نه «مصیبت‌نامه» یا «رنج‌نامه» نویسی.

روستاها «محروم» اند و شهرها «توسعه نیافته» بسیاری از مردم، از فقر و بیکاری و بیماری و اعتیاد و تبعیض رنج می‌برند. دردهایی که روزی با پشتکار همین مردم «درمان» خواهد شد.

این طرح، هرگز به سمت «عیب‌یابی» وضعیت موجود، ارائه راه حل و درمان نواقص و بیان نیازهای هر بخش از جامعه، قدم برنداشته است. این کتاب‌ها، شناخت‌نامه یا به عبارت دقیق‌تر شناسنامه فرهنگی هر شهرستان است، که به مردم ایران و جهان معرفی می‌گردد.

در هیچ موردی، نه راه «غلو» را پیموده‌ام و نه به بیراهه «تملق» افتاده‌ام. به مدح و ثنای هیچ مدیری اهتمام نداشته‌ام و کوچه دلدادگی من به مردم «گل» اندیش استان «بوشهر»، از ثبت قله‌های بلند و سترگ داشته‌ها و

شایستگی های آنان است و بس.

۵. اجمال نویسی: زبان نگارش «پژوهشی» و «بدون تکلف» است،

مبنای «اجمال» و «جامع» نویسی.

در این ۱۰ جلد، بر بخشی از تاریخ و فرهنگ این استان، که «تاریک»

در «غبار» مانده است، نور افکنده شده است. و صد البته، خانه چراغان

شده، تنها به مدد فکر و همت فرزندانش هویت و معنا یافته است.

وجود منابع مکتوب قابل قبول، آمارها و اطلاعات دقیق و دسته بندی

شده اسناد تاریخی متقن در کتابخانه های مهم کشور و نویسندگان

مؤلفان و اشخاص مطلع و اهل قلمی کارآزموده و دلسوز، مهم ترین امتیاز

این استان، برای پژوهش های علمی و آکادمیک محسوب می گردد.

مبنای تاریخ گذاری در این طرح، هجری خورشیدی است و

استفاده از منابع مستند گاه شماری، تاریخ های میلادی و قمری، تا حد

امکان، به تاریخ شمسی (خورشیدی) تبدیل شده اند.

در مواردی که امکان معادل یابی وجود نداشت، از حروف مخففه «م»

برای تاریخ های میلادی و «ق.» برای تاریخ های هجری قمری (تازی)

استفاده شده است.

شنبه، ۲۵ شهریور ماه ۱۳۹۲

تهران. زکریا رستگ